

ای منادی میثاق نامه‌های محرر چون جامهای مکرر نشئه صہبا ...

حضرت عبدالہاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالہاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانہ آثار بہائی" در مرکز جهانی بہائی

- شماره ۶۲۸

حضرت علی قبل اکبر علیہ بہاء اللہ الہی

ہو الہی

ای منادی میثاق نامه‌های محرر چون جامهای مکرر نشئه صہبا داشت و نفعہ حدیقہ رعنا چہ کہ آثار انجذاب بود و دلیل التہاب بنا بر محبت اللہ جمیع ملاحظہ گردید مضمون معلوم و مراد مفہوم گردید جواب بعضی ارسال شد و اینک جواب مطالب دیگر نیز تحریر میشود در خصوص عقائد مختلفہ در حقّ این عبد مرقوم نموده بودید الیوم تکلیف جمیع یاران الہی در بساط رحمانی اینست کہ آنچه شنیدہ و دیدہ و فہمیدہ از عقیدہ بنہند و فراموش کنند و نسیاً منسیاً شمرند و آنچه صریح و وضوح بیان این عبد است قبول کنند و ابواب تأویل و تلویح و تشریح را بکلی مسدود نمایند تا حصن حصین امر اللہ از تعرض مارقین و تصرف مبتدعین محفوظ و مصون ماند و اہل ارتیاب رخنہ نتوانند و بہانہ نجویند و عقائد مختلف نگردد و آراء متعدد نشود و اگر الیوم این اساس عظیم محکم و متین نگردد من بعد صدہزار رخنہ در بنیان الہی پدیدار شود و اساس شریعت اللہ از بنیاد برافتد آفتاب حقیقت متواری گردد و مہ تابان محتفی شود علم مبین سرنگون گردد و قلوب موحدین غرق خون شود سدرہ منتهی از ریشہ برافتد و تیشہ در بیشہ جنت ابہی افتد صدہزار شجر در دمی مقطوع گردد و صد خروار ثمر در نفسی متساقط و منشور شود انوار ہدی غائب گردد و ظلمت دہماء غالب شود آیت رحمت منسوخ گردد و امت نعمت ممسوخ شود

لہذا باید الیوم سدّ ابواب نزاع کرد و منع اسباب جدال و این ممکن نیست جز آنکہ کل متابعت مبین کنند و اطاعت مرکز میثاق معین یعنی تمسک بصریح بیان او جویند و تشبث بوضوح تبیان او خواهند بقسمیکہ لسانشان ترجمان لسان او گردد و خامہ‌شان راوی بیان او حرفی زیادہ و نقصان نگویند کلمہئی از تأویل و تلویح و تشریح نیفزایند تا کل در ظلّ کلمہ وحدانیت محشور گردند و در تحت لواء فردانیت مجموع این امر اہمّ امور و این اساس اعظم اساس و اگر چنانچہ دو نفر اختلاف کنند ہر دو بیجا زیرا نقص و خلاقی اعظم از اختلاف نہ و مشاعر متفاوت اگر ادراکات نفوس مرجع امور شود بیت معمور در لحظہئی خراب و مطمور گردد و آیت نور منسوخ شود و لیل دیجور مستولی گردد



ORIGINAL

پس ای یاران الهی و حبیان معنوی بجان و دل گوش کنید و بصریح عبارت ابن عبد اکتفا نمائید و بقدر حرفی تجاوز نمائید اینست عقیده ثابتۀ راسخه و حقیقت معتقدات واضحۀ صریحۀ ابن عبد و اهل ملکوت ابهی که جمال مبارک شمس حقیقت ساطع از برج حقیقت و حضرت اعلی شمس حقیقت لامع از برج حقیقت یعنی آن نور حقیقت و مصباح احدیت در این زجاجة رحمانیت و این مشکاة وحدانیت ساطع و لامع الله نور السموات و الأرض مثل نوره کمشکاة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة کأنها کوکب درّی یوقد من شجرة مبارکة زيتونة لا شرقية و لا غربية یکاد زيتها یضیء و لو لم تمسسه نار نور علی نور و آن نور حقیقت در وقت واحد و زمان واحد هم در این زجاجة فردانیت ساطع و هم در این مشکاة وحدانیت ظاهر و واضح و لامع ولی مشکاة مقتبس از زجاج چه که نور حقیقت در زجاجة رحمانیت ساطع و از زجاج وهّاج فانض بر مشکاة چون سراج و مقام مبشّری باین برهان محقق میگردد این مشکاة شمس آفاقت و این زجاج نیر اعظم اشراق این مشکاة مصباح عالم بالا و این زجاج کوکب ملأ اعلی اینست که با وجود وجودشان در زمان واحد و عصر واحد و تعدّد بحسب ظاهر باز حقیقت واحد بودند و کینونت واحد جوهر توحید بودند و سازج تفرید چون در نور نگری نور واحد بود که در زجاج و مشکاة هر دو ساطع و چون بهیئت نگری تعدّد مشاهده شود و زجاج و مشکاة بینی و همچنین این زجاجة رحمانیه و حقیقت شاخصه بدرجۀ لطیف و نورانی و شفاف و رحمانی که با نور حقیقت بقسمی تعاکس یافته که حقیقت واحد تحقق نموده و صرف توحید رخ گشوده یکاد زيتها یضیء و لو لم تمسسه نار رقّ الزجاج و رقّت الخمر و تعاکسا فتشابه الأمر و کأتما خمر و لا قدح و کأتما قدح و لا خمر نورانیت سراج و لطافت زجاج دست بهم داده نور علی نور گشته اینست که میفرماید ایّا کم ان تذکروا فی آیتین ای آیه اللّاهوت و آیه النّاسوت و مادون این دو شمس حقیقت کلّ عباد له و کلّ بأمره یعملون حضرت قدّوس روحی له الفداء هرچند کینونتی بودند که بتامه از آن شمس حقیقت حکایت فرمودند نور بازغ بودند و کوکب شارق جوهر تقدیس بودند و سازج تنزیه و البتّه صدهزار اتی انا الله از فم مطهرش صادر با وجود این کینونة لا تحکی الا عن الله ربها و کان مظهرًا بدیعا و عبداً و فیّا

و اما مقام این عبد عبودیت محضه صرفه حقیقیه ثابتۀ راسخه واضحه من دون تأویل و تفسیر و تلویح و تشریح یعنی غلام حلقه بگوش و بنده غاشیه بر دوش تراب آستانم و پاسبان و دربان و آنچه تعریف و توصیف محض عنایت در جمیع الواح و زبر الهی در حقّ این عبد موجود معنی کل این کلمه است عبدالهّاء و هر تأویل و تفسیر که حرفی زاید از این کلمه است اتی بریء منه و اشهد الله و انبیائه و رسله و امنائه و اولیائه و اصفیائه و احبائه علی ذلک من مبین آیاتم اینست بیان من و ما بعد الحقّ الاّ الاوهام المبین ع